

هدف کلی

آشنایی با تاریخ هنر جهان از دوره باستان تا قرن معاصر

دانش‌آموزان عزیز، نوشتن درباره هنر کار چندان آسانی نیست. هنگامی که کلمه هنر به میان می‌آید، بر اثر مشاهدات و آگاهی‌های قبلی مان‌آثاری چون بناهای تاریخی، مجسمه‌ها و نقاشی و یا نام هنرمندانی چون داونچی، کمال‌الدین بهزاد و... به ذهن می‌آید. در هر اثری ممکن است یک یا چند ویژگی مانند زیبایی، نوآوری، نظم و دقت وجود داشته باشد. باید توجه داشت سنجش قابل قبولی وجود ندارد تا یک دست‌آفریده اثری هنری محسوب شود. روش مشخصی هم برای جدا کردن هنر از غیر هنر وجود ندارد. اما آنچه که باید در مورد هنر آموخت این است که در هنر، ارزش‌های ثابت و همیشگی وجود دارد و باید دانست که عقاید مردم درباره آثار هنری دائم در حال تغییر است. هر سبک یا دوره هنری متولد می‌شود، زندگی می‌کند و سپس از پویایی باز می‌ماند و جای خود را به سبک و دوره بعد می‌دهد. باید همواره به این موضوع توجه داشت که هر اثر هنری حداقل باید بیانگر شکلی از احساس، فکر، نظم و تخیل باشد. برای مثال مشاهده سر گاو نر پیکاسو روشن می‌کند که این اثر فقط دسته و زین یک دوچرخه است^۱ و نه سر یک گاو. در این اثر، نظم، دقت یا مهارت وجود ندارد و تنها قدرت تخیل پیکاسو بوده، که از ترکیب زین و دسته دوچرخه، یک اثر هنری خلق کرده است. هنر شکلی از بیان مشترکات انسان است و هنرمند به تجارب مادی و معنوی جامعه خویش پاسخ می‌دهد و آنرا مستند می‌کند. آنچه امروز هنر نامیده می‌شود، از دوره‌های بی‌دری تاریخ گذر کرده و در هر دوره‌ای از تاریخ برای هدف‌های مختلف به وجود آمده است. هرکسی از واژه هنر تعریفی متفاوت دارد و فرض را بر این می‌گذارد که دیگران نیز منظور او را درک می‌کنند. حال آنکه هرکس با سطح دانش خود این تعریف را درک می‌کند. به‌طور مثال یک آموزگار، موزخ و شاعر نگاه‌های متفاوتی به یک اثر هنری دارند اما نظرات آنها می‌تواند مکمل هم بوده و هرکدام بخشی از واقعیت را بازگو کنند. ذهن انسان از زمان‌های گذشته تاکنون، در پی فهم پدیده‌های پیرامون خود بوده و خواسته است در حد امکان آن‌را به‌زبانی قابل درک تعریف کند. از دیرباز این پرسش‌ها مطرح بوده که زیبایی چیست؟ هنر چیست؟ تمام تلاش‌ها در این جهت بوده تا انسان از پدیده‌های پیرامون خود درک درستی داشته باشد و بداند درباره چه چیزی حرف می‌زند و مخاطب او کیست. مثلاً وقتی درباره یک اثر هنری سخن به میان می‌آید باید دانست چه ویژگی خاصی آن‌را از یک اثر دیگر متمایز می‌کند. انسان بنا به نیازهای درونی خود یا جامعه‌اش، دست به آفرینش‌های هنری می‌زند. در هنر، تعریف قابل قبول همگانی وجود ندارد و هر تعریفی که از آن ارائه شود خالی از اشکال نیست و هرکدام می‌توانند در جای خود معتبر باشند. یکی از مواردی که تعریف هنر را مشکل می‌کند، این است که معنایی که امروز از هنر وجود دارد، با معنای گذشته آن تفاوت دارد.

آثار هنری را باید در بستر تاریخ و با توجه به شرایط اجتماعی زمان آفرینش آنها سنجید و با معیارهای مردم زمانشان ارزیابی کرد. با گذشت زمان سلیقه‌ها تغییر می‌کند و معنای هنر هم دگرگون می‌شود و تنها چیزی که در طول تاریخ ثابت مانده مفهوم انتزاعی هنر است و انتزاع نوعی برداشت ذهنی از واقعیت است. در زمان‌های گذشته هر دست‌ساخته‌ای که در ساخت آن مهارت و دانش به‌کار رفته بود می‌توانست یک اثر هنری باشد. اما از اواسط سده ۱۸ میلادی برخی پژوهشگران اروپایی بین دست‌آفریده‌ها تفاوت قابل‌شدند و موسیقی، نقاشی و بیکر تراشی را هنرهای زیبا نامیدند و آنها را از دیگر دست‌ساخته‌ها مانند سفالگری، بافندگی، فلزکاری و... جدا کردند. در قرن ۱۹ میلادی با شکل‌گیری موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مدارس هنری، کم‌کم موضوع زیبایی‌شناختی آثار هنری



مطرح شد. اما با نگاهی به فرهنگ‌ها و تمدن‌های گذشته می‌توان دریافت که معماری، پیکره‌سازی و نقاشی در تمدن‌های مصر، ایران، میانرودان، هند، چین و ... بر اساس فرمول‌های زیبایی‌شناختی که امروز وضع شده است، پدید نیامده‌اند. باید پذیرفت که این آثار، افزون بر ارزش‌های هنری، دارای کارکردهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی بوده و با زندگی مردم زمانه خود پیوند داشته‌اند. پس نمی‌توان از هنر تعریف واحد و همه‌پسندی ارایه داد.

از نظر افلاطون هنر نوعی تقلید، از نظر ارسطو یک آفرینش خردمندانه و از نظر تولستوی بیان احساس است. اما از نظر اندیشمندان شرقی هنر، ساخت اشیای مفید و زیباست. در گذشته زیبایی با نظم، تقارن، تناسب و هماهنگی پیوند داشت و کسی هنرمند شمرده می‌شد که با پیروی از تکنیک اثری خلق کند، ولی اکنون بیشتر بر ابداع و نوآوری، احساس و الهام تأکید می‌شود. در بسیاری جوامع، هنر با دیگر فعالیت‌های انسان در آمیخته و هنر همواره ابزار لذت و تفکر است. هنر از زمانی آغاز شد که انسان توانست سنگ یا چوبی که مناسب با فعالیت‌های روزمره او بود انتخاب و با تغییراتی در شکل و اندازه، آن را کارآمدتر کند. از دیرباز تاکنون انسان‌ها در هر جایی از کره زمین با توجه به نعمت‌های خدا دادی، مواد لازم را از محیط پیرامون انتخاب و آنها را برای نیازهای مادی و معنوی زندگی روزمره خود تغییر شکل داده‌اند. محیط زیست، شیوه و سطح زندگی، مذهب، آداب و سنن، ادبیات، افسانه‌ها در شکل و معنای آفرینش‌های هنری آنها دخالت داشته است. در جهان امروز همه روزه پدیده هنری تازه‌ای خلق می‌شود که با هیچ یک از تعاریفی که تاکنون از هنر شده مطابق نیست. اما این بدان معنا نیست که هر چیز که با گذشته منطبق نباشد، هنر نیست و معنایی ندارد. در هنر مدرن برخی معیارهای گذشته، چون زیبایی، تقلید و اصالت، اعتبار گذشته خود را از دست داده‌اند و در هنر پسا مدرن، مثل هنر دیجیتال برای آثار تجسمی جسمیت و شکل فیزیکی قابل لمس و رؤیت، دیگر ضرورت شمرده نمی‌شود. انقلاب و دگرگونی، از عواملی است که هنر به آن نیاز دارد.

۲- تاریخ هنر

در سال ۱۷۶۴ یک اروپایی به نام یوهان وینکلمان که بر روی آثار و اشیای هنری دوران باستان یونان و روم باستان مطالعه می‌کرد، برای نخستین بار کتابی به نام تاریخ هنر درباره این دوران نوشت. او در این کتاب آثار معماری، تندیس‌ها و حجاری‌های به‌جای مانده این دو تمدن را معرفی کرد. وی با طبقه‌بندی آثار و اشیای باستانی از قدیم به جدید، اصطلاح سبک و دوره‌های هنری را به کار برد. وی عقیده داشت که سبک در هر فرهنگی از نسلی به نسل دیگر تغییر و تحول پیدا می‌کند و سبک یا شیوه در هنر بستگی به نوع جهان بینی یک فرد یا یک جامعه دارد. هرگاه تولیدات هنری یک جامعه در دوره‌ای معین، دارای ویژگی‌های ظاهری و ساختاری مشخص باشد و یا در جزء و کل، یک مجموعه هماهنگ را عرضه کند از کلمه سبک درباره آن استفاده می‌شود مثل سبک کلاسیک یا رمانسک. وینکلمان درباره هنر یونان و دوره رنسانس می‌گوید: هنر یونان بیانگر باورهای مذهبی، فرهنگی و فضای زندگی اجتماعی مردم آن زمان و هنر دوره رنسانس نیز حاصل باورهای مردم عصر خویش است و تفاوت هنر آنها ناشی از باورهای متفاوت این دو جامعه در دو زمان مختلف از تاریخ است. در تاریخ هنر می‌توان دریافت که انسان برای رسیدن به حقیقت و آرمان‌هایش چه مراحل را پیموده است. تاریخ هنر، دست‌آفریده‌های انسان را از سپیده دم تاریخ تا زمان حاضر معرفی کرده و به شرح، توصیف و مقایسه آنها می‌پردازد. هنر نتیجه ذوق، حس زیبایی‌شناسی هنرمندان، تجربه‌ها و آموخته‌های آنها است. با مشاهده آثار هنری اقوام و ملل جهان بر تجربه انسان افزوده می‌شود و افق دید او گسترش می‌یابد.

در این فصل با دوره سنگ (پارینه سنگی و نوسنگی) یا دوره پیش از تاریخ^۱ و هنر اقوام بدوی^۲ آشنا می‌شویم. اصطلاح دوره سنگ به دوره‌ای اطلاق می‌شود که مهمترین ماده برای ساخت ابزار، سنگ است. گنجاندن هنر اقوام بدوی در این فصل نیز به دلیل شباهت نسبی شیوه زندگی و هنر آنها با جوامع دوره سنگ است.

۱- هنر در دوره پارینه سنگی

تاریخ هنر با این سؤال‌ها شروع می‌شود، انسان از چه زمانی به آفرینش هنری دست زد؟ چه انگیزه‌ای باعث آن بود؟ نخستین دست ساخته‌ها چه بودند؟ پاسخ روشن به این سؤال‌ها آسان نیست و هر پاسخی را باید با احتیاط پذیرفت. باستان‌شناسان بنا به شواهدی حضور انسان بر روی زمین را تا چند میلیون سال پیش به عقب می‌برند (تصویر ۱).



تصویر ۱- اثر رد پای انسان حدود سه و نیم میلیون سال پیش، تانزانیا، آفریقا

شواهد زمین‌شناسی نشان می‌دهد که در اواخر دوره پارینه سنگی (حدود ۱۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ سال پیش از میلاد) آب و هوای کره زمین دچار تغییر و سردتر شده است، این تغییرات در اروپا شدیدتر بود و بر روی نحوه زندگی انسان و حیوانات اثر گذاشت و باعث شد در بعضی جاها انسان‌ها به غارها و پناهگاه‌ها روی آوردند و سعی کردند، نیازمندی‌های خود را با این تغییرات هماهنگ سازند.

گروه‌های انسان‌های غارنشین از طریق شکار و جمع‌آوری غلات زندگی می‌کردند، مردها اغلب به شکار حیوانات و زن‌ها هم به جمع‌آوری دانه‌ها و ریشه‌های گیاهان وحشی، مواظبت از کودکان و سالخورده‌گان، نگهداری آتش و پخت‌وپز می‌پرداختند. این جوامع برای ادامه زندگی به ابزار کار نیاز داشتند که مهمترین ابزار آنها سنگ بود. به همین خاطر این دوره را عصر سنگ نام‌گذاری کرده‌اند. مهمترین ابزار، سنگ‌های مُشته‌ای^۳ و نوک تیزی بود که از طریق شکستن سنگ‌های بزرگ‌تر به دست می‌آمد. در این دوره انسان با شناخت دقیق‌تر دنیای پیرامون، ساخت ابزار کارآمدتر را فراگرفت و برای تأمین نیازهای مادی تلاش بیشتری از خود نشان داد و سعی کرد خواسته‌ها و نیازهای خود را به شکل نقاشی، حکاکی روی سنگ و ساخت پیکره بیان کند و پیش از آنکه به مدد ذوق، هنرمند شود بر اثر نیاز، صنعتگر شد (تصویر ۲).



تصویر ۲- مراحل ساخت ابزارهای سنگی در دوره پارینه سنگی

۱- مورخان به دوره‌ای از تاریخ که هنوز انسان به مرحله نگارش نرسیده بود، دوره سنگ یا دوره پیش از تاریخ می‌گویند.

۲- Primitive

۳- نوعی ابزار سنگی مدور یا مخروطی که رأس آن تیز و بُرنده می‌شده و در مشت جا می‌گرفته است.

در حدود ۳۵۰۰۰ سال پیش از میلاد نخستین دست ساخته‌های انسان ظاهر و به تدریج کیفیت ساخت آنها بهبود می‌یابد و در فاصله ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد به بالاترین کیفیت می‌رسند (تصاویر ۳ و ۴).



تصویر ۴- تصویر فرضی شکار ماموت توسط مردم عصر پارینه سنگی



تصویر ۳- تصویر فرضی از زندگی مردم عصر پارینه سنگی

در دوره پارینه سنگی مهمترین وظیفه گروه‌های انسانی (شکارگر) شناخت خصوصیات حیوانات و چگونگی شکار آنها بود و بهترین راه بیان نیازها و انتقال فکر، تصویر بود. از این رو نخستین و جالب‌ترین آثار هنری انسان که مورخان هنر، آنها را آغاز هنر اعلام می‌کنند، تصاویر جانورانی نظیر گاو، اسب، گوزن، آهو، ماموت، گراز و غیره است که بر سطح دیوار غارها و پناهگاه‌های ناحیه آلپ در اروپا با رنگیزه‌های معدنی مانند گِلِ اُخرا و خاک سرخ یا سیاه (دوده زغال یا سوخته استخوان مخلوط با پیه جانوران) نقاشی یا کنده کاری شده‌اند. مشهورترین این تصاویر بر دیوارهای داخلی و سقف غارهای آلتامیرا^۱ و لاسکو^۲ در فاصله ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد کنده، نقاشی و یا تراشیده شده‌اند. بعضی از آنها مثل تصویر گاو وحشی زخم خورده، بسیار زنده و واقع نما است. خطوط کنارنما و سایه‌اندازی ظریف و ماهرانه و استفاده از برجستگی‌های سنگ‌ها سبب نمایش حجم و برجستگی‌های اندام جانور شده و با وجود اینکه تصویر اسب و گاو نیم رُخ هستند، برای بُعد نمایی، دو گوش اسب و دو شاخ گاو نشان داده شده است. امروز عقیده بر این است که این تصاویر جنبه تزئینی نداشته و هدف از ایجاد آنها، بخشی از آیین جادو و باروری بوده، زیرا تعدادی از این غارها مثل لاسکو و آلتامیرا، برای سکونت مناسب نبوده و از آنها برای انجام مراسم مذهبی استفاده می‌شده است. آنها بر این تصور بودند که با ترسیم شکل جانور روح آن‌را به تصاحب در می‌آورند. نقاشی‌هایی که در نقاط پنهان و دور از دسترس درون غارها انجام شده، از دقت زیادی برخوردارند و خصوصیات رفتاری حیوانات اعم از حرکات و حالات آنها بسیار طبیعت‌گرایانه نمایش داده شده‌اند. به نظر می‌رسد این نقاشی‌ها مربوط به آیین‌های باروری (دعا برای زاد و ولد) بوده و حیواناتی که در ترسیم کمتر به آنها دقت شده، مربوط به جادوی شکارند^۳ (تصاویر ۵ و ۶).

۱- Altamira

۲- Lascaux

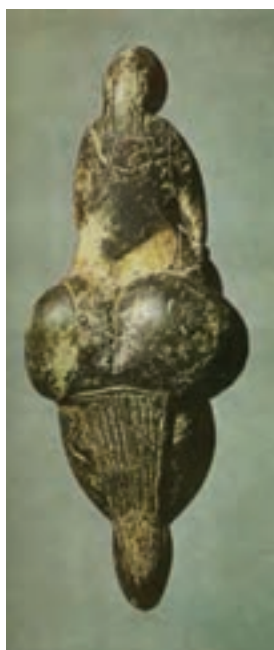
۳- آنها بر این تصور بودند که با تصویر کردن جانوران بر روح آنها مسلط شده و موفقیت آنها در روز شکار تأمین خواهد شد.



تصویر ۵- دوره پارینه سنگی راست: تالار گارها، چپ: نقش اسب، غار لاسکو، فرانسه، حدود ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد



تصویر ۶- گاو وحشی زخمی، غار آلتامیرا، اسپانیا. حدود ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد



تصویر ۷- الهه لسیپوگ، Lespugue فرانسه، عاج ماموت، حدود ۲۳۰۰۰ سال پیش از میلاد

در نقاط دیگر جهان آثاری به این قدمت و پیشرفت که از نظر کمیت و کیفیت با آثار اروپایی قابل مقایسه باشد به دست نیامده است. در آسیا و ایران هم نقاشی‌ها و نقشکندهای (حکاکی‌های روی سنگ) پناهگاهی و صخره‌ای شناسایی شده‌اند، اما نسبت به نمونه‌های اروپایی جدیدتر و متعلق به دوره نوسنگی و بعد از آن هستند.

هنر این دوره محدود به نقاشی‌ها نیست بلکه تعداد قابل توجهی پیکرک^۱ انسانی و حیوانی از جنس استخوان، سنگ و گل و حکاکی نقش حیوانات روی عاج، استخوان و ... نیز به دست آمده‌اند که بعضی از آنها واقع گرایانه‌اند (تصویر ۷).

۲- هنر دوره نوسنگی یا روستا نشینی

از حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد مجدداً شرایط آب و هوایی در بعضی مناطق جهان تغییر کرد و هوا گرم‌تر شد. به تدریج انسان‌ها زندگی در غارها و پناه‌گاه‌ها را ترک و زندگی در دشت‌ها را

۱- پیکره کوچک

آغاز کردند و دوره پارینه سنگی به تدریج خاتمه یافت و انسان دوره تازه‌ای از زندگی خود را شروع و شیوه هنری جدیدی بنا نهاد. این دوره تازه عهد نوسنگی یا عهد دهکده‌نشینی نامیده شد. دوره نوسنگی دومین دوره از ادوار تاریخ تحول زندگی انسان است. این نامگذاری به این علت است که انسان در آغاز این دوره نه تنها در ساخت ابزارهای سنگی تحولی به وجود آورد و آنها را کارآمدتر کرد، بلکه کم‌کم زندگی مبتنی بر شکار و گردآوری غذا را ترک و زندگی کشاورزی و دامپروری را آغاز کرد.

یافته‌های باستان‌شناسی اواسط هزاره چهارم (حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد) نشان می‌دهد که اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دهکده‌های آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا (مصر) بسیار بهبود یافته بود. دهکده‌ها بزرگتر شده و بر جمعیت افزوده شده بود. دست ساخته‌ها متنوع‌تر شده و کیفیت ساخت اشیاء بهبود یافته و داد و ستد گسترده‌تر شده و نخستین اشکال نگارش نیز ابداع شد. با این رخدادها بعضی از این مناطق در آستانه تمدن شهرنشینی و آغاز حکومت‌ها قرار گرفتند.

● هنر نوسنگی در آسیا

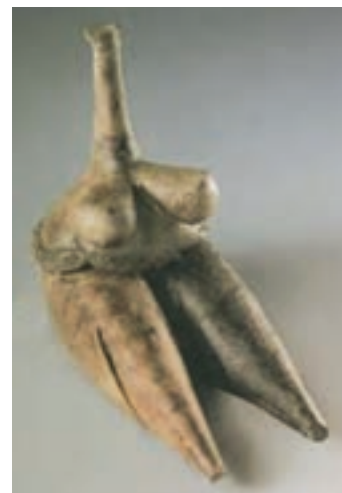
در فاصله ۱۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پیش از میلاد گروه‌های انسانی ساکن در دامنه‌های زاگرس، جنوب آناتولی (ترکیه) و فلسطین (سوریه و اردن) کاشت گندم و جو و پرورش گوسفند را فرا گرفتند و نخستین دهکده‌های عصر نوسنگی در نقاطی از ایران، عراق، ترکیه و فلسطین شکل گرفتند. در تپه سنگ چخماق (تزدیک شاهرود)، تعدادی ظروف سفالی بزرگ که برای نگهداری مواد غذایی ساخته شده‌اند، به دست آمده که بعضی از آنها به شکل خانه ساخته شده‌اند. از روی این ظرف که به شکل ماکت (الگو) ساخته شده می‌توان به شکل خانه‌ها پی برد (تصویر ۸). کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که روند روستائیشینی در اغلب مناطق قاره آسیا و شمال آفریقا (مصر) گسترش یافته است. هم‌زمان با شروع روستائیشینی، فن خانه‌سازی، نخ‌ریسی، بافندگی و سفالگری و ... ابداع شد. انسان عصر نوسنگی فاقد پیشینه هنری نبود بلکه نقاشی، کنده‌کاری، تندیس‌سازی، خراطی و فن پرداخت سنگ‌های زینتی را از دوره پارینه سنگی می‌شناخت. در این دوره انسان مانند عصر پارینه سنگی تنها به طبیعت وابسته نبود بلکه بخشی از نیازهای خود را از طریق دامداری و کشاورزی تأمین می‌کرد و فرصت اندیشیدن داشت و از این فرصت برای بهبود وضعیت زندگی خود استفاده کرد.

در طول دوره نوسنگی مردها علاوه بر کار کشاورزی به شکار نیز می‌پرداختند. زن‌ها علاوه بر زاد و ولد به بافندگی، سفالگری و کشاورزی نیز اشتغال داشتند و به همین خاطر در نزد خانواده از احترام برخوردار بودند. وجود تعداد قابل توجهی تندیس‌های زنانه در محوطه‌های دوره نوسنگی نشان از اهمیت زنان در زندگی روزمره دارد و از این تندیس‌ها به عنوان الهه مادر تعبیر می‌شود که نماد زاد و ولد و تداوم زندگی هستند (تصویر ۹).

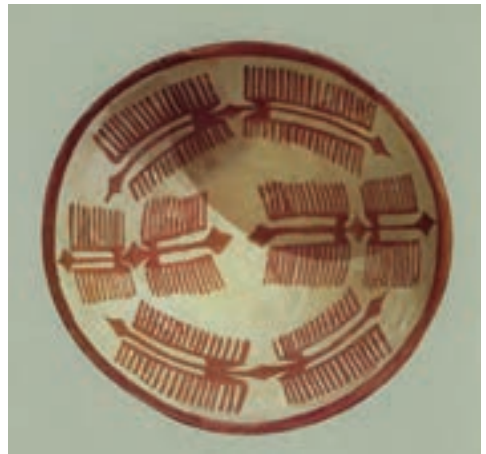
در اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد با ابداع چرخ سفالگری، سفال‌ها از تقارن منظمی برخوردار شده و نقاشی روی سفال از اهمیت برخوردار می‌شود. سفال‌ها در آغاز دارای نقوش



تصویر ۸ - ماکت سفالی خانه برای نگهداری آذوقه، تپه سنگ چخماق، شاهرود، حدود ۶۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد



تصویر ۹ - ونوس تپه سراب، کرمانشاه، حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد - موزه ملی ایران



تصویر ۱- کاسه سفالی، تل گپ، خوزستان، حدود ۴۰۰۰ تصویر ۱۱- گلدان سفالی، مصر، تصویر ۱۲- کاسه سفالی تل سامرا، عراق، ۵۵۰۰ پیش از میلاد
پیش از میلاد ۴۵۰۰

هندسی (خطوط موازی، عمودی، زیگزاگ، موجی و شطرنجی و ...) بودند و این نقش‌ها با رنگ‌های سیاه یا قرمز بر روی آنها رسم می‌شدند. اندکی بعد تصویر انسان، پرندگان، چهارپایان و ستارگان نیز رایج شد (تصاویر ۱۰ و ۱۱ و ۱۲). شیوه تصویر نگاری موجودات، ساده، خلاصه شده و دو بُعدی هستند^۱ و بدن موجودات به شکل هندسی و در بعضی موارد روی اجزای بدن اغراق می‌شود (مثل شاخ‌ها)، به همین خاطر تصاویر از واقع‌نمایی و طبیعت‌گرایی به دور هستند. آثار و اشیای هنری به‌جا مانده از دوره نوسنگی در نقاط مختلف دنیا هم‌زمان نیستند و از نظر نوع با هم متفاوتند. به‌طور مثال در ایران و عراق سفال و در فلسطین مجموعه‌های یادبودی و در انگلستان سنگ افراشته‌ها (سنگ‌هایی که به‌صورت عمودی روی زمین قرار گرفته است) باقی مانده‌اند (تصویر ۱۴). در اریحا (دهکده‌ای در کشور اردن) پرستش مجموعه مانند برخی جوامع بومی آفریقا رایج بود، در این محل تعدادی سردیس آدمی که سیمایی نافذ و پر حالت دارند و به‌هزاره هفتم و ششم پیش از میلاد تعلق دارند، کشف شده است. هنرمندان اریحا مجموعه را از بقیه اسکلت جدا می‌کردند و با گچ رنگی دوباره آن را به‌شکل سر آدم در می‌آوردند و در بازسازی سعی می‌کردند که شبیه چهره صاحب آن باشد (تصویر ۱۳). سازندگان این سردیس‌ها پیشگامان هنر چهره‌سازی در دوره‌های بعد هستند.



تصویر ۱۳- مجسمه گچ اندود، اریحا، اردن، حدود ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد

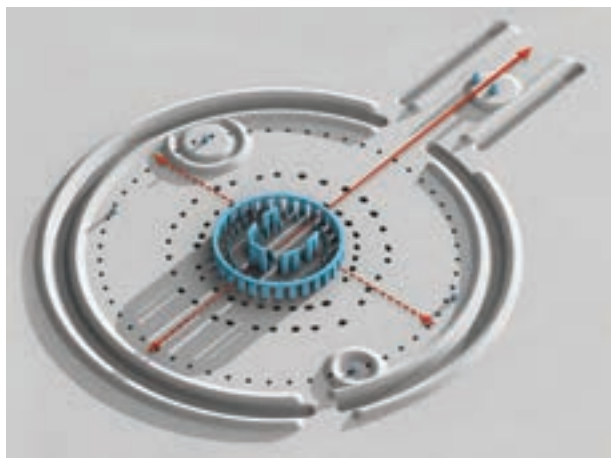
● هنر نوسنگی در اروپا

دوره نوسنگی اروپا، دیرتر از آسیا و در حدود ۴۰۰۰ قبل از میلاد شروع شد. در اروپا دهکده‌هایی مشابه آسیای جنوب غربی به‌وجود نیامد، اما از این دوره، ساختمان‌های سنگ افراشته بزرگ و حیرت‌آوری باقی مانده است. ساختمان‌هایی که از قطعات بزرگ سنگ‌های مسطح که هیچ ملاطی ندارند، درست شده‌اند. یکی از مشهورترین آنها استون هنج^۲ در انگلستان است. این

۱- هنر این شیوه را سبک هندسی یا چکیده نگاری می‌گویند. در چکیده نگاری، تصاویر موجودات به نقش‌های ساده هندسی تبدیل و سپس قرینه‌سازی و تکرار می‌شود.

۲- Stonehenge

ساختمان، دایره‌ای وسیع از تخته سنگ‌هایی است که به فواصل مساوی از یکدیگر به‌طور عمود بر زمین نصب شده و بر روی آنها تخته سنگ‌های افقی قرار داده شده و در میان آنها دو دایره کوچک‌تر ایجاد شده و در مرکز آن یک قطعه سنگ بزرگ قرار دارد. این مجموعه درست مقابل با نقطه‌ای از آسمان است که در روز اول انقلاب صیفی^۱ (روز اول تیرماه) خورشید از آن طلوع می‌کند. این مجموعه بیانگر یک رصدخانه در ارتباط با گردش خورشید است (تصویر ۱۴ الف و ب).



تصویر ۱۴-ب - ماکت بازسازی شده استون هنج از نمای بالا



تصویر ۱۴-الف - استون هنج (سنگ افراشت) یا پرستشگاه نجومی سنگی، انگلستان، حدود ۱۸۰۰ تا ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد

● دوره نوسنگی در دیگر قاره‌ها

دوره نوسنگی در قاره‌های آمریکا، آفریقا (غیر از شمال این قاره) و استرالیا بین ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ هزار سال پیش از میلاد شروع شد و تقریباً بدون تغییر باقی ماند. در این مناطق، زندگی کوچ‌نشینی و روستایی تا قرون جدید به‌شکل بدوی ادامه یافته است. بعضی از اقوام مردم آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی از این مرحله گذشته و وارد مرحله شهرنشینی شدند.

۳- هنر بدوی یا ابتدایی

اقوام بومی^۲ آفریقای استوایی، بومیان استرالیا، ساکنان جزایر جنوب اقیانوس آرام (پولینزی و ایستر) و برخی از جوامع سرخ پوست آمریکای شمالی، مرکزی، جنوبی و اسکیموهای شمال آمریکا، اروپا و آسیا به‌عنوان اقوام بدوی یا ابتدایی شمرده می‌شوند. این قبایل هنوز نیز با شکار حیوانات و گردآوری ریشه‌ها و دانه‌ها و میوه‌های وحشی و اندکی کشاورزی و دامداری و به‌دور از تمدن شهری

۱- برابری طول شب و روز برای آغاز کشاورزی

۲- مانند اقوام بوشمن و بیگمه

زندگی می‌کنند. نظام خویشاوندی، مذهب و پرستش ارواح نیاکان مهمترین عامل وحدت میان آنها است. تولیدات هنری آنها بافندگی، سفالگری، ماسک (صورتک) و تندیس‌سازی، ساخت اشیای چوبی و استخوانی و نقاشی روی اشیاء و بدن است. شیوه هنری آنها ساده و هندسی‌گرا و از طبیعت‌گرایی به دور است. جوامع بدوی بر این باورند که می‌توانند روح اجداد خود را در ماسک و تندیس‌هایی که می‌سازند به دام اندازند و از نیروی آنها در جهت بهبود زندگی و دفع شر استفاده کنند. آنها اعتقاد دارند که تمام پدیده‌های طبیعت دارای روحند و می‌توان با انجام مراسم نمایشی و بازیگری با استفاده از ماسک و لباس‌های رنگارنگ روح آنها را به کالبد خود دعوت و از خاصیت افسونی آنها استفاده کرد. صورتک‌ها معمولاً شکلی وهم‌انگیز و ترسناک از انسان‌ها، حیوانات و یا ترکیبی از این دو با کارکردهای ویژه دارند. تندیس‌ها و صورتک‌ها از چوب، سنگ، فلز، پارچه، پوست یا ترکیبی از این مواد و در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شد (تصویر ۱۵ و ۱۶).

در ساخت پیکره‌ها، بیشترین تأکید بر روی نگاه و حالت چهره است که بیانگر معنا و کارکرد آن می‌باشد. سایر اندام‌های بدن بسیار ساده و هندسی‌وار هستند. بعضی از تندیس‌ها رنگ آمیزی و با نقوش هندسی کنده شده، تزیین می‌شوند (تصویر ۱۷). این مردمان با وجود تاریخ طولانی همانند ملت‌های آسیا، اروپا و شمال آفریقا به مراحل تحول نرسیدند و شیوه زندگی آنها کم و بیش تا زمان حاضر، ادامه یافته، اما با ورود اروپاییان به سرزمین‌های آنها، نظام زندگی و شیوه هنری این جوامع در حال انقراض است.



تصویر ۱۷- ماسک نمایشی، جزیره بالی - اندونزی



تصویر ۱۶- بالا: ماسک دیواری، نقاشی روی چوب. پایین: ماسک مراسمی، چوب با نقاشی همراه با پوشال و دانه‌های گیاهی. گینه‌نو، شمال استرالیا



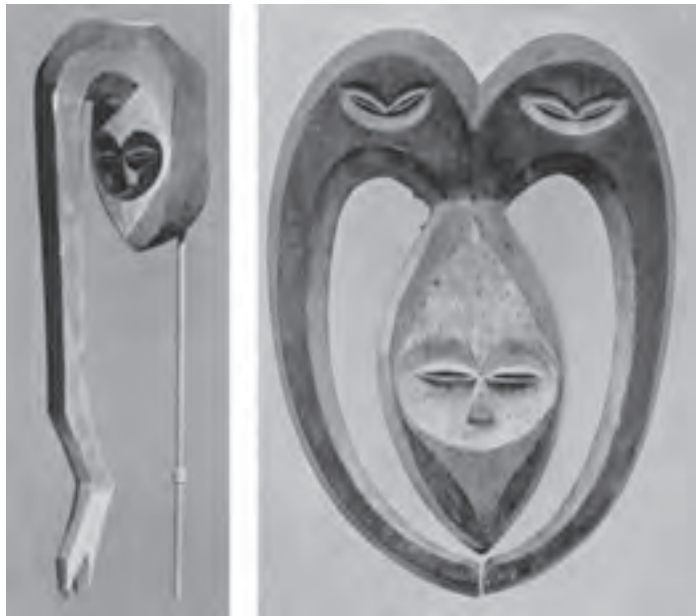
تصویر ۱۵- ماسک رقص، پارچه با تزیینات گیاهی. گینه‌نو، شمال استرالیا

● هنر آفریقایی

معمولاً به هنر ساکنان آفریقا غیر از سواحل و مناطق شمالی آن قاره، هنر آفریقایی گفته می‌شود. بومیان آفریقا صاحب هنری منضبط و سنت‌گرا، با محتوایی آئینی و زیبایی‌های صوری و انتزاعی خاص هر قوم و قبیله بوده‌اند. شکل‌های هنری معتبرترین ملاک تعیین هویت هر قبیله به‌شمار می‌آید. مهمترین قالب هنری آن قاره پیکره‌سازی و کنده‌کاری تزئینی بود. پیکره‌های چوبی همه‌جا در مراسم دینی یا آئین‌های قبیله‌ای به کار می‌رفت. سرپیکره‌ها غالباً بزرگ و بی‌تناسب ساخته می‌شد، زیرا در باور هنرمند، سر جایگاه نیروی زندگی و مهمترین بخش بدن بود. تندیسک‌ها تقریباً همیشه از یک تنه درخت و با قرینه‌سازی دقیق تراشیده می‌شدند و کشیدگی بدن و کوتاهی دستان شاخه‌مانندشان به همین سبب بود. نقاشی روی پوست بدن و شیاراندازی بر چهره در میان بسیاری قبایل مرسوم بوده است. نگاره‌ها و آرایش‌های رنگی به کار رفته در روی بدن، غالباً در پیکره‌سازی نیز اجرا می‌شده است. حرکات موزون مهمترین و گویاترین وسیله بیان هنری بومیان آفریقا است. در جریان این حرکات از تندیس‌های گوناگون استفاده می‌شد. هنرهای آفریقا در زندگی روزانه و مراحل مختلف زندگی تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ نقش مهمی دارند (تصاویر ۱۸ و ۱۹).



تصویر ۱۹- ماسک آیین بلوغ، جنوب غربی کنگو، آفریقا، قرن بیستم، بلندی ۲۴ سانتی‌متر، گالری برکت، کالیفرنیا



تصویر ۱۸- ماسک، چوب، کنگو آفریقا، موزه هنر بدوی نیویورک، سده بیستم

● اقیانوسیه (استرالیا)

هنر مردمان بومی استرالیا حکاکی روی سنگ، چوب و نقاشی روی بدن، موسیقی، رقص و آواز است. استفاده از ماسک در رقص و آوازهای گروهی این بومیان جنبه آئینی دارد و هدف از انجام آن ارتباط با ارواح نیاکانی و جلب حمایت از آنها است (تصویر ۲۰). موضوع نقاشی‌های روی صخره تصویر انسان و جانور در شکلی هندسی و دو بعدی است. در بعضی از نقاشی‌ها (تصویر ۲۱)

نه تنها شکل ظاهری بلکه اندام‌های داخلی مانند ستون فقرات، قلب و... نیز نقاشی می‌شوند (نقاشی اشعه ایکس) (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۲- نقاشی روی چوب، صحنه شکار (نقاشی اشعه ایکس)، غرب استرالیا



تصویر ۲۱- نقاشی صخره‌ای (روح زندگی)



تصویر ۲۰- ماسک آیینی، الیاف گیاهی، گِل و رنگ، اوائل قرن بیستم، گینه‌نو، شمال استرالیا، بلندی حدود ۹۰ سانتی‌متر، مجموعه پاپوا (Papua)

● هنر سرخ پوستان آمریکای شمالی

هنراین جوامع نیز، مشابه هنر جوامع بدوی، افریقا و اقیانوسیه است. تولیدات هنری آنها شامل ماسک‌ها (تصویر ۲۳) و تندیس‌های آیینی، سفال، منسوجات و اشیای خانگی است. در طول یک صد



تصویر ۲۳- سمت راست، ماسک آیینی، سرخ پوستان شمال غربی آمریکا، چوب و الیاف، ۲۰۱۰ میلادی. بلندی حدود ۲۵ سانتی‌متر، گالری هنرهای زیبای بومی، سیاتل، بلندی حدود ۲۵ سانتی‌متر. وسط، ماسک به شکل سر پرنده با متقار متحرک، سرخپوستان سواحل غربی آمریکا. سمت چپ، رییس یک قبیله

سال اخیر بسیاری از دست ساخته‌های آنها به موزه‌های مختلف جهان راه یافته و مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

صنعتگران سرخپوست در عرصه تبدیل سنگ به انواع اشیای مفید در زندگی روزمره یا اشیای آیینی توانا هستند. رسم دیگر سرخپوستان ساخت محیط‌های گیرا و تماشایی برای فعالیت‌های مذهبی است. نقاشی و کنده‌کاری‌های صخره‌ای نیز در نزد آنها رواج دارد که برخی از آنها بسیار زنده و طبیعت‌گرایانه هستند. در نزد سرخ‌پوستان جنوب غربی آمریکا «نقاشی آیینی روی شن»^۱ با استفاده از گرد سنگ‌ها و خاکه‌های رنگی (نظیر خاک رُس، گچ، زغال و...) بر بستری از ماسه و یا خاک مرسوم بوده که انجام آن نیاز به مهارت داشته و نقاش به‌دستور طیب – جادوگر قبیله به‌ایجاد نقوش رمزی و سنتی با هدف شفا دادن بیماران در مراسمی همراه با دعا و افسون می‌پرداخته است (تصویر ۲۴). سرخپوستان ساکن دشت‌های بزرگ به‌دلیل زندگی چادرنشینی توجهشان بیشتر بر لباس و اندام خود و دیگر اشیای منقول مانند چپق، تبرزین و ظروف گوناگون معطوف بود (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۵ – یک دختر سرخ‌پوست آمریکای شمالی. اوایل قرن بیستم



تصویر ۲۴ – نقاشی روی شن، قبیله ناواجو^۲، جنوب غربی آمریکا، ۱۹۰۷ میلادی، کتابخانه کنگره آمریکا

● اسکیموها

اسکیموها در نواحی شمال آمریکا، اروپا و آسیا (پیرامون قطب شمال) سکونت دارند و از طریق ماهیگیری و شکار حیوانات امرار معاش می‌کنند. اسکیموها در ساخت پیکره‌های جانوری، صورتک و لوازم زندگی به‌ویژه از استخوان، عاج، چوب و شاخ حیوانات توانا هستند. اسکیموها در طی سده‌های متوالی، صدها پیکره کوچک آدمی، جانوری و صورتک‌های متحرک را با استفاده از جنس عاج و استخوان و چوب ساخته و یا تصاویر ریز نقش جانور و انسان را با ظرافت تمام بر روی این مواد کنده کاری کرده و از طریق آنها افسانه‌های قومی خود را حفظ کرده‌اند (تصویر ۲۶). در بعضی از صورتک‌های اسکیموها اجزا و حالت چهره از واقع‌گرایی نیرومندی برخوردار است.



تصویر ۲۶ – نقاب رقص، اسکیموهای آلاسکا، حدود سال ۱۸۸۰ میلادی، چوب، موزه مردم‌شناسی، برلین

۱ – Sandpainting

۲ – Navajo

- ۱- چه عواملی سبب پیدایش هنر شد؟ شرح دهید.
- ۲- آثار هنری دوره پارینه سنگی چه ویژگی‌هایی داشت؟ شرح دهید.
- ۳- نقاشی در غارها برای چه هدفی انجام می‌شد؟
- ۴- تفاوت نقاشی غارها و نقاشی روی سفال دوره نوسنگی را شرح دهید.
- ۵- استون هنج برای چه هدفی و در کجا ساخته شده است؟
- ۶- هنر اقوام ابتدایی را توضیح دهید.
- ۷- مهمترین قالب هنری اقوام بدوی آفریقایان چه بود؟
- ۸- نقاشی‌های بدویان استرالیا دارای چه ویژگی خاصی است؟ شرح دهید.
- ۹- ویژگی هنر سرخپوستان را شرح دهید.
- ۱۰- هدف از ترسیم نقاشی بر دیوار غارها در دوره پارینه سنگی چیست؟
 - الف) تزئین محل سکونت
 - ب) هدف برای تمرین تیراندازی
 - ج) بخشی از آیین جادو و باروری
 - د) برای نمایش و بازیگری